

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ : 1386/09/11

روایات مجوزه تئویب (الصلوة خیر من النوم) و توجیه و تأویل آنها :

سومین روایت این است: و عنه (یعنی از محمد بن حسن طوسی یاسناده عن محمد بن علی بن محبوب، یعنی در این روایت دو راوی حذف شده است) عن احمد بن الحسن - عزیزان دقت کنند؛ در وسائل چند روایت به این شکل آمده که البته وقتی من نگاه کردم، متوجه شدم که در خود تهذیب هم احمد بن الحسن است؛ ما در این طبقه احمد بن الحسن به هیچ وجه نداریم. مراد احمد بن محمد بن عیسی است، با توجه به روایاتی که از قبل نقل می کند و با توجه به آنچه که می تواند استاد محمد بن علی بن محبوب و شاگرد حسین بن سعید اهوازی باشد، احمد بن الحسن در این طبقه وجود خارجی ندارد. چند روایت است که احمد بن الحسن است ولی صحیحش احمد بن محمد بن عیسی است که این ناشی از اشتباه خطی می باشد. علی ای حال این احمد بن محمد بن عیسی است - عن الحسین که حسین قبل از حماد همیشه حسین بن سعید اهوازی است، عن الشعیب که ثقة است عن ابی بصیر که بحث درباره ابوبصیر زیاد است که آیا ابوبصیر واقفی است یا ابوبصیر اسدی است؟ آقای خوئی رضوان الله تعالی علیه در معجم بعد از بحث های متعددی که می آورد، می گوید: آنچه که ما از اسانید و روایات و طبقات فهمیدیم آن است که ابوبصیر مطلق در اسانید روایات که دارای کتاب است و جزو شخصیت های برجسته و یکی از اصحاب اجماع است، ابوبصیر اسدی است که مورد ثقة می باشد و بعد ایشان اعتراض می کند که برخی از فقهاء ما مثل سبزواری صاحب کفایه الاحکام می گویند که ابوبصیر مردّد است بین ثقة و ضعیف و روایاتش از درجه اعتبار ساقط است.

می فرماید: نه، این گونه نیست بلکه ابوبصیر مطلق در هر کجا بیاید، انصراف دارد به ابوبصیر اسدی یحیی که بعضی ها از اصحاب اجماع شمرده اند و مورد وثوق نیز می باشد. به هر حال حضرت فرمود:

عن ابی بصیر عن ابی عبد الله علیه السلام: النداء و التثویب فی الإقامة من السنة

تثویب در اذان و گفتن الصلوه خیر من النوم از سنت نبوی است.

تهذیب الأحکام، شیخ طوسی، ج 2، ص 62.. وسائل الشیعة (آل البیت)، شیخ حر عاملی، ج 5، ص 427.

به خاطر این روایات است که برخی قائل به کراهت یا اباحه تثویب شده اند. ما باید معنای روایت را مورد بررسی قرار دهیم.

الصلوه خیر من النوم سنت بنی امیه :

وقتی روایات را کنار یکدیگر می گذاریم برخی از آنها برخی دیگر را معنا می کند همان طور که القرآن یفسر بعضه بعضاً. مثلاً ما روایتی داریم در اصل زید النرسی که می گوید: «الصلوة خیر من النوم بدعة بنی امیه» در اینجا هم صاحب جواهر می گوید که مراد از این سنت در روایت، سنت بنی امیه است و نمی خواهد بگوید که سنت نبوی است. در آنجا که سند محکم شد باید سراغ فقه الحدیث رفت. آیا می توانیم به گونه ای توجیه کنیم که منافاتی با ضرورت فقه شیعه نداشته باشد؟ و اگر قطع پیدا کردیم که مخالف با فقه شیعه است در آنجا می گوئیم که با توجه به موقعیت آن دوران صدور حدیث مشکل داشته است و از روی تقیه صادر شده است. لذا وقتی که سند درست شد نمی توان از مضمون دست برداشت.

علي أي حالِ روايت مي گوید: **النداء و التثويب في الإقامة من السنة.** بعد از اين مرحوم صاحب وسائل مي گوید:

يأتي وجهه علي أن التثويب لغةً أعمّ من قول الصلوة خير من النوم

بعد از اين ذکر خواهد شد که تثويب اعم است از تثويب به معنای لغوي و تثويبي که به معنای الصلوه خير من النوم است

وسائل الشيعة (آل البيت)، شيخ حر عاملي، ج 5، ص 427.

بينيد بزرگان ما مثل صاحب وسائل وقتي به اين روايت مي رسند آن را طرد نمي کنند، آن را توجيه مي کنند و مي گویند: شايد مراد از تثويب در اینجا تثويب لغوي باشد، اگر کسی نداء بکند و رجوع به نداء بکند يعني نداء را دوباره تکرار کند، اين از سنت است و اشکالي ندارد يعني مراد از تثويب تکرار نداء است. سپس مي گوید:

ولعلّ المراد غيره و يحتمل الحمل علي الإنكار

شايد مراد چيز ديگري باشد و نيز مي تواند در اين جا جمله انكاريه باشد.

وسائل الشيعة (الإسلامية)، شيخ حر عاملي، ج 4، ص 651.

يعني احتمال دارد حضرت در مقام انكار فرموده: **النداء و التثويب من السنة؟! بينيد وقتي بزرگان ما به يك روايتي مي رسند که با ضرورت فقه شيعه همخواني ندارد، بلافاصله نمي گویند: اين روايت جعلي است يا حتي از روي تقيه صادر شده است.**

يا همان تعبير صاحب جواهر كه گفتيم: منظور روايت سنت بني اميه است با توجه به آن روايت كه: الصلوة خير من النوم بدعة بني اميه.

اما روايت چهارم مي فرمايد:

و عنه (يعني شيخ طوسي يأسناده عن علي بن محمد بن محبوب) عن احمد بن الحسن (كه احمد بن محمد بن عيسي درست است) عن الحسين عن فضالة (بن أيوب) عن علاء (ابن رزين كه از ثقات و أجلاء اصحاب شيعة است) عن محمد بن مسلم عن ابي جعفر عليه السلام: كان ابي عليه السلام ينادي في بيته «الصلوة خير من النوم» و لو رددت ذلك لم يكن به بأس.

امام باقر عليه السلام فرمودند: پدرم در خانه صدا مي زد، الصلوه خير من النوم و اگر اين كار را (در خانه) تكرر كني اشكال ندارد.

وسائل الشيعة (آل البيت)، شيخ حر عاملي، ج 5، ص 427.

يعني اگر چند بار هم گفتم: الصلوة خير من النوم اشكالي ندارد. اين روايت غير از روايت قبل است كه بتوان گفت استفهام انكاري است يا منظور از سنت، سنت بني اميه است بلكه روايت بسيار وضوح دارد در تثويبي كه اهل سنت به آن معتقد هستند. لكن كلمه «بيته» در اين روايت اين مطلب را مي رساند كه امام مي خواهد اين مطلب را القاء كند كه ما درون خانه هم رعايت حال شيعيان را مي كنيم و به خاطر مراعات حال خود و شيعيان الصلوة خير من النوم مي گوئيم؛ يعني روايت در اينجا هم نشان مي دهد كه اين تثويب امام از روي تقيه و حفظ جان شيعة است. اين كلمه «بيت» مي گويد كه اين گونه نيست كه اگر امام در مسجد گفت: الصلوة خير من النوم به جهت تظاهر و تقيه است. نه، بلكه در خانه اش هم اين گونه است.

چیزی که ما بارها می‌گوئیم که اگر به اهل سنت فحش نمی‌دهیم در جلسات خصوصی مان هم فحش نمی‌دهیم، یعنی این طور تصور نشود که ما در جلوی مردم به خاطر تقیه این کار را می‌کنیم. این کلمه «ینادی فی بیه» یعنی این که مردم بدانند که امام در خانه اش هم این طور است؛ این خود نشان از آن دارد که روایات به خاطر تقیه و حفظ جان شیعه از شر حکومت بنی امیه و بنی عباس صادر شده است. البته مرحوم شیخ طوسی در تهذیب، جلد 2، صفحه 63 صراحت دارد بر این که این روایت و روایت قبلی «محمولان علی التقیة لإجماع الطائفه علی ترك العمل بهما» شیعه اجماع دارد بر ترك عمل به آنها، در این میان تنها دو نفر قائل به اباحه بودند که آن دو نفر هم در میان این همه بزرگان ما ضرر به اجماع نمی‌زند، مخصوصاً اگر اجماع را کاشف بدانیم مخالفت افراد شناخته شده ضرری نمی‌رساند.

صاحب وسائل در ادامه این روایت می‌فرماید:

اقول هذا لا إشعار فيه بكون النداء في الأذان أو الإقامة فعله لم يكن فيهما .

به نظر من این سخن امام علیه السلام به این مطلب اشاره ندارد که نداء (الصلوة خیر من النوم) جزء اذان و یا اقامه باشد؛ شاید که آن را در اذان و اقامه ذکر نفرموده باشد.

وسائل الشیعة (آل البیت)، شیخ حر عاملی، ج 5، ص 427.

اصلاً امام علیه السلام وقتی فرزندان خود را از خواب بیدار می‌کرد می‌فرمود: الصلوة خیر من النوم یعنی از خواب بیدار شوید و نماز بخوانید و این دلیل بر این نیست که امام وقتی اذان می‌گفت در اذان خود الصلوة خیر من النوم می‌افزود؛ این فرمایش مرحوم صاحب وسائل است.

سخن فوق، اجماعي و مورد اتفاق همگان است که اگر کسی الصلوة خير من النوم به قصد اذان نگوید هیچ اشکالي ندارد؛ همان طور که اگر کسی «آمین» بعد از حمد را به قصد جزئیت نماز نگوید، بلکه به قصد دعا بگوید که در این صورت اشکالي ندارد. اگر چه در خصوص کلمه «آمین» اگر در وسط حمد گفته شود از جهت آن که ترتیب آن را بر هم می زند اشکال دارد.

و آخرین روایت که مرحوم محقق حلی در معتبر، صفحه 166 از کتاب احمد بن محمد بن ابی نصر بزنی (که از ثقات و از اصحاب اجماع است) از عبدالله بن سنان (که وثاقتش اتفاقی است بر خلاف محمد بن سنان که مورد اختلاف است و البته این دو با هم برادر نیستند و حدود 50 یا 60 سال فاصله زمانی دارند) از امام صادق علیه اسلام نقل می کند:

إذا كنت في أذان الفجر فقل الصلوة خير من النوم بعد حي علي خير العمل و لا تقل في الإقامة الصلوة خير من النوم، هذا في الأذان.

هنگامی که در اذان صبح هستی بعد از **حي علي خير العمل** بگو «الصلوة خير من النوم» ولی در اقامه لازم نیست.

وسائل الشيعة (آل البيت)، شيخ حر عاملي، ج 5، ص 427.

ببینید، این روایت هم **حي علي خير العمل** دارد که شعار شیعه است و اموی ها آن را به دستور عمر حذف کردند که در ادامه بیشتر توضیح خواهیم داد که **حي علي خير العمل** تا زمان عمر در اذان ها گفته می شد، عمر سه چیز را دستور داد که حذف شود: متعه النساء، متعه الحج و **حي علي خير العمل**، یعنی در زمان عثمان کسی **حي علي خير العمل** نمی گفت. در زمان امیرالمؤمنین هم که حضرت نتوانست اینها را به زمان رسول اکرم باز گرداند. البته صاحب وسائل وقتی که این روایت را هم نقل می کند می فرماید: **هذا محمول علي التقية.**

در این روایت دو نکته است: اول این که حضرت هم حی علی خیر العمل را که به عنوان شعار شیعه است مطرح می کند و هم الصلوة خیر من النوم را که به عنوان شعار اموی ها است، چه رمزی در این مسأله است؟ این حکایت از آن ندارد که امام گفتن الصلوة خیر من النوم را اجازه داده چرا که امام علیه السلام می فرماید: شما هم مثل سایر افراد الصلوة خیر من النوم را در اذان بگوئید - اهل سنت هم گفتن الصلوة خیر من النوم را در اقامه جائز نمی دانند - لکن شعار خود که حی علی خیر العمل باشد را نیز ترك نکنید، روایت نمی خواهد بگوید که من به خاطر تقیه صادر شده ام می گوید: وظیفه شما در جوامع غیر شیعی، آن است که این گونه عمل کنید و در واقع تکلیف شما این است.